



Women's Contribution in Transcribing Iranian Manuscripts in the Qajar Period

Tayebeh hajbaqeriyani 

M.A. in Information Science and Epistemology, Expert in Ayatollah Borujerdi Library, Qum, Iran.
E-mail: hajbaqeriyani@yahoo.com

Abstract

Objective: The present research is intended to investigate the role of Iranian women in transcribing manuscripts in the Qajar period.

Research method/approach: It was done by documentary-library method, through which 34 women scribes were identified. After a brief introduction of the female scribes, following questions have been reviewed and answered: the time interval between the scribes and the era of the authors of the transcribed manuscripts; the topics of the manuscripts that they have transcribed, the application and function of the manuscripts; the type of script and language of the transcribed works; the status and the scientific and familial credit of the scribes. Manuscripts handwritten by the author or, in other words, the works of the female researchers, which have the original manuscript, are out of the scope of this research and have not been mentioned.

Findings and Conclusions: The absence or lack of women's names in the field of transcribing and editing manuscripts does not mean that they did not have a role in this field; rather, this has been affected by the heavy shadow cast upon them by the government, culture and society, and ultimately by men and families in the past and has prevented the registration of their names and characters. Although in the Qajar period, women gradually enjoyed more personal and functional freedom and were granted more privileged social status compared to their past, but in the findings from the Qajar era, we still see this shadow. Besides, the humbleness and submissiveness of the scribes (even in male scribes) in the past have prevented them from writing their full names. They were either unwilling to mention their names or they considered the names of their fathers and ancestors above their own names, and women would also use such phrases as: *şabiyya...*; *bint...*; *zan...* (i.e., daughter of...; wife of...). In the findings of the research, we see scholarly and virtuous women who were allowed to transmit hadiths and narrations, female commentator or marginal annotator, calligraphers, and women who grew up in scholarly families and were the links for transmission of knowledge from the past generation to the future. On the other hand, topics such as literature, jurisprudence, and supplications have been of more interest to women writers; they have also taken more care and made more endeavor in transcribing the works of their families or their ancestors. The Arabic language enjoyed less frequency and popularity than the Persian language among the women of the Qajar era.

Keywords: female scribes, manuscripts, transcription, Qajar period

Publisher: Organization of Libraries, Musums and Documents Center of Astan Quds Razavi
Manuscripts Journal of Research Studies, 2022, Vol. 1, No.2, pp. 159-188.
Received: 04/12/2022 - Accepted: 04/05/2023



سهم بانوان در کتابت نسخه‌های ایرانی در دوره قاجار

طیبه حاج باقریان ^{ID}

کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، کارشناس کتابخانه آیت الله بروجردی، قم، ایران. رایانامه: hajbaqerian@yahoo.com

چکیده

هدف: هدف از پژوهش پیش رو بررسی نقش زنان ایرانی در کتابت نسخه‌های خطی در عصر قاجار است.

روش/ رویکرد پژوهش: این پژوهش به روش اسنادی و کتابخانه‌ای صورت گرفته و طی آن تعداد ۳۴ کاتب زن شناسایی شده است. پس از معرفی اجمالی بانوان کاتب به پرسش‌هایی چون: فاصله زمانی کاتبان با عصر مؤلف نسخه‌های کتابت شده، موضوعات نسخه‌هایی که کتابت کرده‌اند، کاربرد و کارکرد نسخه‌ها، نوع خط و زبان آثار کتابت شده، جایگاه و اعتبار علمی و خانوادگی کاتبان، بررسی و پاسخ داده شده است. نسخه‌های به خط مؤلف یا به عبارتی تألیفات زنان پژوهشگر که دارای نسخه اصل هستند، از دایره این پژوهش خارج و به آن‌ها اشاره‌ای نشده است.

یافته‌ها و نتایج: نبود یا کمبود نام زنان در زمینه کتابت و کتاب‌آرایی نسخه‌های خطی بدین معنی نیست که آن‌ها نقشی در این زمینه نداشته‌اند بلکه متأثر از سایه سنگینی است که در گذشته از طرف حکومت، فرهنگ و جامعه و در نهایت مردان و خانواده بر سر آن‌ها افکنده شده و مانع از ثبت و ضبط نام و نشان آن‌ها بوده است. با وجود آن که در دوره قاجار زنان به تدریج از آزادی فردی و عملکردی بیشتر و درجه ممتازتر اجتماعی نسبت به گذشته خود، برخوردار شده‌اند؛ اما در یافته‌های موجود در عصر قاجار هم همچنان این سایه را مشاهده می‌کنیم. علاوه بر آن که در گذشته خشوع و خضوع کاتبان (حتی در مردان کاتب) مانع نوشتن نام کامل آن‌ها بوده است، آن‌ها یا تمایل به ذکر نام خود نداشته‌اند یا نام پدر و آباء و اجداد خود را مقدم بر نام خود می‌دانستند و زنان نیز از عباراتی چون: صبیبه ...؛ بنت ...؛ زن ...، استفاده نموده‌اند. در یافته‌های پژوهش به زنان عالمه و فاضله که دارای اجازه نقل حدیث و روایت بوده‌اند، زنان محشی و تعلیق‌نویس، زنان خوشنویس و زنانی که در خانواده‌های اهل علم رشد و نمو یافته‌اند و حلقه وصل و واسط انتقال دانش از نسل گذشته به آینده بوده‌اند، برمی‌خوریم. از سویی دیگر، موضوعاتی چون ادبیات، فقه و ادعیه بیشتر مورد توجه زنان کاتب بوده است. همچنین آن‌ها در کتابت آثار خانوادگی یا آباء و اجدادی خود نیز اهتمام بیشتری داشته‌اند. زبان عربی نسبت به زبان فارسی در بین زنان عصر قاجار بسامد و اقبال کمتری داشته است.

کلیدواژه‌ها: زنان کاتب، نسخه‌های خطی، کتابت، دوره قاجار

ناشر: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی
پژوهشنامه مطالعات نسخ خطی، ۱۴۰۱، دوره ۱، شماره ۲، صص. ۱۵۹-۱۸۸.
تاریخ دریافت: ۱۳/۹/۱۴۰۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴/۲/۱۴۰۲

مقدمه

مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که زنان هرگاه فرصت یافته‌اند همراه با مردان در صحنه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مشارکت کرده و حتی در زمینه‌هایی حضور بیشتری داشته‌اند. با این وجود آنچه از آمار و اسناد حاکی است، در طول تاریخ و اعصار متمادی گاهی در ثبت نام و نشان زنان کوتاهی شده و امروزه کمتر سند و مدرکی از فعالیت‌های فرهنگی و هنری آنان در اعصار گذشته و به ویژه در زمینه کتابت و کتاب‌آرایی نسخه‌های خطی در دست است و این، بدین معنی نیست که زنان نقشی نداشته‌اند بلکه بدین منظور است که در اعصار گوناگون همواره سایه‌ای که از طرف حکومت، فرهنگ و جامعه و در نهایت مردان و خانواده آن‌ها بر سرشان افکنده شده که مانع از ثبت و ضبط نام و نشان آن‌ها بوده است.

در دوره قاجار زنان به تدریج از آزادی فردی و عملکردی بیشتر و درجه ممتازتر اجتماعی نسبت به گذشته خود، برخوردار شدند. در این دوره تاریخی زنان از آزادی فکر و عمل بیشتری نسبت به دوره‌های قبل برخوردار شدند. تحصیلات و سطح سواد زنان رو به افزایش گذاشت و علاوه بر بانوان و دختران درباری و مرفه، بین سایر اقشار جامعه نیز سوادآموزی وجود داشت. زنان دوره قاجار به شعر و هنر علاقه خاصی نشان می‌دادند و آنان که به سبب موقعیت خانوادگی با سواد بودند در سرودن شعر ذوق‌آزمایی می‌کردند. در این دوران علاوه بر فعالیت‌های علمی و فرهنگی، زنان قدرتمندی بودند که در کار سیاست نیز مداخله می‌کردند. حتی زنان در اواخر دوره قاجار و در زمان سلطنت احمدشاه وارد نظمیه نیز شدند و به عنوان پلیس مخفی در مکان‌هایی که به وجود آنان نیاز بود به خدمت می‌پرداختند (بهرامی، ۱۳۴۴، ج ۱، ص. ۴۲۰). بعضی از زنان در دوران قاجار حتی به حکمرانی نیز رسیدند. «حُسْنِجَهان» ملقب به «والیه»، از دختران فتحعلیشاه، سال‌ها در کردستان شخصاً با کمال استقلال حکمرانی کرد (عضدالدوله، بی‌تا، ص. ۲۱). همچنین در زمینه علم و فرهنگ نیز گاهی به نام زنان پژوهشگر و خوش‌ذوقی برمی‌خوریم که آثار علمی ممتاز و ارزنده‌ای از خود بر جای گذاشته‌اند.

کتابت و کتاب‌آرایی نسخه‌های خطی یکی از فعالیت‌های علمی و فرهنگی است که نمی‌توان در دوره‌های گوناگون تاریخی نقش زنان را در آن نادیده گرفت. در زمینه خوشنویسی، گاهی زنان خوشنویس زنجیره پیوند این هنر در سده‌های مختلف بوده‌اند. یکی از خوشنویسان سده‌های میانه که واسطه میان ابن بواب و یاقوت مستعصمی به شمار می‌رفت خانمی به نام زینب شهره کاتب (م. ۵۷۴ ق) بوده است. گوهرشاد، دختر میرعماد حسنی، از خوشنویسان پرآوازه قرن یازدهم هجری است. سلطان بانوی صفوی دختر شاه اسماعیل اول، زیب النساء (بیگم) دختر خوش قریحه اورنگ زیب که نه تنها به مشق سه شیوه خوشنویسی می‌پرداخت، بلکه خود از حامیان شاعران، دانشمندان و خوشنویسان بود. ملکه جهان که قرآن دست‌نوشته او با حروفی بی‌اندازه

برجسته و رنگارنگ در کتابخانه چستریتی موجود است، نمونه‌هایی از زنان خوشنویس و هنرمند قرون گذشته‌اند. همچنین قرآن‌ها و ادعیه‌هایی که به خط زنان قاجار به ویژه امسلمه ملقب به گلین قاجار و خواهرش شاه‌بیگم ملقب به ضیاءالسلطنه، دختران فتحعلی شاه بر جای مانده و در کتابخانه‌های بزرگ نگهداری می‌شود (سلطانی فر، ۱۳۸۵، ص. ۲۲۵-۲۲۷)، نمونه‌های دیگری از آن‌هاست.

برخی از این امور فرهنگی، به ویژه کتابت و نسخه‌آرایی نسخه‌های خطی، در مناطق یا دوره‌ای خاصی از تاریخ به صورت خانواده‌ای انجام می‌گرفت و گوشه‌ای از منازل اشخاص، همان کانون استنساخ و کتاب‌آرایی نسخه‌های خطی به شمار می‌رفت. به عبارتی، هر یک از اعضای خانواده اعم از زن و مرد و فرزندان به تولید یک اثر علمی یا هنری همت می‌گماشتند. به گونه‌ای که در گذشته کتابت و کتاب‌آرایی علاوه بر احترامی که پیش آحاد مردم داشته، در امرار معاش خانواده هم تأثیری چشمگیر داشته است. بنابراین، گاه اعضای خانواده در کتابت و نسخه‌پردازی مشارکت می‌کردند و زنان خانه و حتی فرزندان در این امر یاری می‌رساندند. بوداق قزوینی که یکی از منشیان دولت صفوی و تاریخ‌نگار بوده در گزارش سفرش به شیراز اشاره به اشتغال زنان کتابت و رونویسی نسخه‌های خطی دارد که در شیراز نسخه‌نویسان [کاتبان] متعدد وجود دارند که به خط نستعلیق کتابت می‌کنند و هر یک از آنان پیرو فرد دیگر است و این نکته بازشناسی محصول کار آن‌ها را ممکن می‌سازد. زنان شیراز کاتب هستند و اگر بی‌سواد هم باشند به گونه‌ای نسخه‌برداری [کتابت] می‌کنند که گویی به نقاشی مشغولند (بوداق قزوینی، خطی، برگ ۱۰۹؛ به نقل از آژند، ۱۳۹۳، ص. ۵۷). بوداق قزوینی که چندی در شیراز به سر برده بود، از بعضی خانه‌ها دیدن کرده و متوجه شده بود که زنان به کتابت مشغولند و مردان به نگارگری، دختران هم تذهیب می‌کنند و پسران حرفه تجلید و صحافی را بر عهده دارند و بدین ترتیب کار نسخه‌برداری از آغاز تا انجام در خانه صورت گرفته است (همان، ص. ۵۸).

آنان از جمله در کتابت و خوشنویسی نیز هنرآفرینی کرده‌اند. زنان عصر قاجار جمعیت قابل توجه‌ای از جامعه بودند که در فعالیتهای فرهنگی، حضور داشته‌اند. تعدادی از زنان در هنر خوشنویسی سرآمد بودند به گونه‌ای که دست خط آنها بین بزرگان، عالمان و درباریان و حتی مردم عادی ارزشمند بود. برخی زنان کاتب و خوشنویس با توجه به همین هنر زیبایشان، به دربار حکومت راه یافتند تا نامه‌ها، جواب‌ها و توقعیات خلفا و وزرا را بنویسند.

نقش آفرینی زنان در کتابت قرآن و ادعیه و زیارات، نمونه‌ای از هنرمندی آنان است. در گذشته و به ویژه دوره قاجار، برخی بانوان خوش ذوق آثاری را در نهایت زیبایی و کمال نوشته‌اند که باعث شده هنر خوشنویسی را با قدرت و غنای بسیار به دنیای هنر عرضه کنند و آثار نفیس و ممتازی از خود به یادگار بگذارند. نمونه‌هایی از آثار گرانبهای بانوان هنرمند و خوشنویس قاجاری که روح حساس و ظریف خود را به

خدمتگزاری در این زمینه گرفته‌اند و پدیده‌های زیبایی را آفریده‌اند، اکنون در کتابخانه‌های بزرگ به چشم می‌خورد و امروزه از بارزترین سرمایه‌های فرهنگی کشور به شمار می‌روند. پژوهش حاضر با تکیه بر منابع مکتوب و دست‌اولی چون نسخه‌های خطی و فهرس آن‌ها، تلاش بر آن دارد تا به بررسی جایگاه و نقش زنان در کتابت و خوشنویسی بپردازد.

پرسش‌های پژوهش

مقاله حاضر با طرح یک پرسش کلی که «سهام و نقش زنان در کتابت نسخه‌های خطی در عصر قاجار» چگونه است؟ به دنبال پاسخ به پرسش‌های جزئی‌تری ضمن این پژوهش به شرح ذیل است:

۱. قرابت یا بیگانگی زمانی کاتبان با مؤلفین نسخه‌های کتابت شده چگونه است؟

۲. نسخه‌های کتابت شده توسط زنان از لحاظ موضوعی چگونه است؟

۳. نسخه‌های کتابت شده توسط زنان از لحاظ نوع خط و زبان در چه وضعیتی است؟

۴. نسخه‌های کتابت شده توسط زنان از لحاظ کاربرد چگونه‌اند؟

۵. موقعیت اجتماعی و سابقه علمی و خانوادگی بانوان کاتب چگونه است؟

روش پژوهش

در نوشتار حاضر که از نوع مطالعات تحلیلی-تطبیقی بوده و با روش کتابخانه‌ای انجام گرفته، تلاش شده است نام زنان کاتب ایرانی در عصر قاجار و مشخصات کتابشناسی و نسخه‌شناسی، نسخه‌هایی را که کتابت کرده‌اند، با استفاده از منابع و مرور فهرست‌های موجود، استخراج شود.

دامنه این پژوهش جهت انتخاب زنان کاتب، نسخه‌های فارسی و عربی زبان است که توسط زنان و در جغرافیای ایران و در عصر قاجار یعنی میان سال‌های ۱۲۱۰-۱۳۴۴ قمری (۱۱۷۵ تا ۱۳۰۴ شمسی) کتابت شده‌اند. طی این بررسی، تعداد بانوی ایرانی که سهمی در کتابت داشته‌اند و موضوعات مورد توجه آنان در کتابت را می‌توان مشخص نمود. فاصله زمانی و حیات کاتبان با مؤلف نسخه‌هایی که کتابت کرده‌اند و همچنین تعداد نسخه‌های کتابت شده، می‌تواند بیانگر اهمیت نسخه‌های کتابت شده باشد. به علاوه زبان نسخه و سابقه علمی و خانوادگی کاتبان می‌تواند وضعیت آنان را از منظر علمی مورد توجه قرار دهد. نوع خط نسخه‌های کتابت شده و تعداد نسخه‌هایی که هر کاتب استنساخ کرده است، می‌تواند نشانگر کتابت حرفه‌ای آنان یا مبتدی بودن‌شان در کتابت باشد. از سویی دیگر، شناسایی نسخه‌های کتابت شده و درجه اهمیت آن‌ها بین پیشینیان می‌تواند نسخه را از منظر کاربرد مورد توجه قرار دهد. محل کتابت نسخه‌های بررسی شده تنها

در چند مورد مشخص بود و از آنجا که تعداد قابل توجهی نامعلوم است، به این موارد اندک نیز اشاره‌ای نشده است.

در این پژوهش زنان غیرایرانی که نسخه‌های (حتی فارسی) را کتابت کرده‌اند مانند کاتبان هندی مدنظر نبوده؛ به طور مثال، به نام بانو «دل‌آرام» که نسخه‌ای از دیوان نعمت‌خان عالی را در سال ۱۸۸۶م. در هند کتابت کرده و در کتابخانه رضا رامپور نگهداری می‌شود، در این پژوهش اشاره نشده است.

بین نسخه‌های خطی و آثار علمی کهن و متقدم نقش زنان در تألیف و نویسندگی آثار علمی پرننگ‌تر و قابل توجه‌تر از نسخه‌های کتابت شده توسط آنان بوده است و از آنجا که موضوع تألیف، مجزای از کتابت بوده بررسی و پژوهش پیرامون آن، فرصت دیگری را می‌طلبد و نقش بانوان مؤلف و نویسنده در تولید آثار علمی در دوران و قرون متقدم نیاز به پژوهشی مستقل دارد. به عبارتی دیگر، در این پژوهش بانوانی که هم مؤلف و هم کاتب اثر خویش بوده‌اند مورد توجه و اشاره قرار نگرفته است. به عنوان نمونه، بانوانی چون: «ساره خاتون» دختر عباسقلیخان سپهر، «بی‌بی خانم استرآبادی» که کتاب معایب الرجال را به منزله ردیه‌ای بر کتاب تأدیب النسوان نگاشته و به ناصرالدین شاه تقدیم نموده؛ «نوری جهان» دختر حاجی عبدالغفار تهرانی و دیگر مؤلفان زن که اثر یا آثاری را تألیف نموده‌اند و امروزه به خط خودشان در کتابخانه‌های مختلف موجود است، در این پژوهش مورد اشاره قرار نگرفته‌اند.

همچنین در این بررسی‌ها اسامی که دلالت بر نام زنان داشته‌اند، انتخاب شد و برخی اسامی که دو وجهی بودند یا در دوران متقدم به مردان نیز اطلاق می‌شد از دامنه این پژوهش خارج‌اند. در انتخاب این اسامی تا جایی که اطمینان ما از مؤنث بودن آن‌ها حاصل نشد در دایره پژوهش قرار نگرفتند و اشاره‌ای به آن‌ها نشده است. اسامی مانند: حشمت، فرخ، مرجان، اشرف، اعظم و غیره. به عنوان نمونه، سلطانی‌فر (۱۳۸۵) در مقاله خود که به معرفی بانوان قرآن‌نویس پرداخته است، کتابت چهار نسخه از قرآن کریم را منسوب به شخصی به نام مرجان که کاتب و خوشنویس قرن یازدهم هجری است، می‌داند که در کتابخانه‌های آستان قدس و کاخ گلستان و مجموعه شخصی مهدی بیانی نگهداری می‌شوند؛ اما اولاً از آنجا که نام مرجان برای مردان و مرجانه برای خانم‌ها مصطلح است و ثانیاً رقم کاتب در پایان نسخه «فقیر مرجان الکاتب الاسلامی» بوده، مرد بودن کاتب را بیشتر به ذهن متواتر می‌سازد. بنابراین، اسامی دو وجهی یا مبهم در دامنه این نوشتار قرار نگرفته‌اند.

عمده اطلاعات ما پیرامون بانوان کاتب یا به طور کلی عنصر کتابت، به فهرست نسخه‌های خطی معطوف می‌شود و اساس و معیار اولیه این پژوهش فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) و تعدادی از دیگر فهرست‌های منتشر شده بعد از فنخا مانند: مجلدات کتابخانه آیت الله مرعشی و نسخه‌های کتابخانه مسجد

اعظم قم بوده است. در مرحله بعدی با رجوع به پایگاه‌های تخصصی نسخه‌های خطی و کلیدواژه‌های مختلف به استخراج اطلاعات نسخه‌های کتابت شده توسط بانوان پرداخته‌ایم. همچنین، پژوهش‌های (اندکی) که در این زمینه انجام شده نیز بررسی و در موارد مناسب از آن‌ها نیز استفاده شده است.

پس از شناسایی محل نگهداری و روش دسترسی به نسخه‌های مذکور اهتمام حداکثری به تهیه و جمع‌آوری تصویری از این نسخه‌ها شد تا در حد امکان نمونه‌ای از خط کاتبان مدنظر نمایش داده شود. تصویر حدود نیمی از نسخه‌ها تهیه شد، اما به دلیل محدودیت‌های کتابخانه‌ای و سختگیری در ارائه تصاویر از سوی آن‌ها، امکان دسترسی به تصویر نیمی دیگر از نسخه‌های شناسایی شده، فراهم نشد که می‌توان آن را از محدودیت‌های پژوهش به شمار آورد. در این مورد به اطلاعات و مطالب مندرج در فهرست‌ها اکتفا شده است.

عنوان نسخه‌هایی که توسط بانوان کتابت شده و بخشی از اطلاعات نسخه‌شناسی (نام کاتب و تاریخ کتابت) آن‌ها که ارتباط مستقیم با این پژوهش و فعالیت زنانه آن‌ها دارد، استخراج شد و در ادامه آمده است. برخی اطلاعات مختصر پیرامون سابقه خانوادگی یا علمی کاتبان یا اطلاعات لازم پیرامون نسخه‌های کتابت شده که جنبه تکمیلی دارند نیز ذیل نام آن‌ها آمده است.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش مستقلی در این موضوع انجام نشده است، اما پژوهش‌هایی به صورت مقاله و کتاب نزدیک به این موضوع نوشته شده است. از جمله ابرهیم آوار (۱۳۷۸) «نخستین زن خوشنویس مسلمان ایرانی» به معرفی بانو فاطمه بنت حسین بن علی عطار معروف به بنت اقرع پرداخته که یکی از مشهورترین شاگردان و پیروان ابن بواب بوده است. پژوهشگر در این مقاله به سبک‌های کتابت وی و اهمیت حضور او در اجتماع اشاره دارد.

صدیقه سلطانی‌فر (۱۳۸۵) در مقاله «بانوان قرآن‌نویس» به معرفی ده نفر از زنان قرآن‌نویس پرداخته است که سه نفر از آنان معاصر، سه نفر مربوط به عصر قاجار و سه نفر صفوی و قبل از آن است و به گمان نگارنده این سطور نام و شواهد اطلاعات در معرفی یکی از آن‌ها به نام «مرجان» نیز دچار خطا شده است، چرا که این نام ویژه مردان بوده و وی در انجامه نسخه هم خود را «مرجان الکاتب الاسلامی» معرفی کرده و تلقی بر نام مؤنث ندارد.

الهه پنجه‌باشی و ابوالقاسم دادور (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه و بررسی نسخه‌های خطی قرآن به کتابت بانوان دوره قاجار»، به هنر خطاطی زنان در این دوره پرداخته و شش نفر از زنان قرآن‌نویس قاجاری را معرفی می‌کند.

نعمت‌الله صباغی (بی‌تا)، مقاله «زنان کاتب و حافظ قرآن در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله» را به صورت انتشار درآورده است. او در این مقاله به معرفی کاتبان وحی پرداخته و بر اساس مطالعات و بررسی‌های انجام شده شمار کاتبان وحی در زمان پیامبر را به چهل و سه (نویسندگان دوران مکه) و چهل و پنج نفر (نویسندگان دوران مدینه) دانسته که البته اشاره دارد این اعداد و ارقام مورد اختلاف است. او از این شمار از دوازده زن که کتابت قرآن کرده‌اند، نام می‌برد.

جدیدترین اثر در این مورد را علی‌اکبر عباسی و دیگران (۱۴۰۰) با عنوان «نقش زنان کاتب بغداد در توسعه علوم و فرهنگ اسلامی در عصر چهارم خلافت عباسی» نوشته‌اند که طی آن به واکاوی زنان کاتب عراق و به ویژه بغداد در عصر خلافت عباسی پرداخته است. یافته‌های او در پاسخ به پرسش زنان چه نقشی در تحولات فرهنگی و توسعه علوم و فرهنگ اسلامی در آن عصر داشته‌اند؟ نشان می‌دهد آن‌ها در گسترش علوم و فرهنگ اسلامی به ویژه علوم دینی و نقلی نقش بیشتری داشته‌اند و بسیاری از علما و مشاهیر در محضر درس آنان حضور یافتند. وی به نقش‌های گوناگون زنان در جامعه فرهنگی اشاره دارد و یافته‌های او قابل توجه است.

ام سلمه از معدود بانوان قاجاری است که آثار او به صورت مستقل موضوع چندین پژوهش بوده است و به تازگی کتابی با عنوان «ام سلمه» (۱۴۰۱) توسط دکتر حمیدرضا قلیچ‌خانی به زیور طبع درآمده است و طی آن به معرفی وی و آثار و خط و کتابت او پرداخته شده است؛ اما، این پژوهش بین غیرایرانیان و به ویژه عرب‌زبانان هم مورد توجه بوده و در این زمینه آثاری را تدوین نموده‌اند، از جمله: محمدعباس ظیماء (۱۹۸۶م) مقاله «نساء خطاطات» را نگاشته که ابتدا نام چند نفر از زنان خطاط اوایل اسلام و سپس مغرب و اندلس و چند نفر از خطاطان معاصر و سه نفر از زنان خطاط بغداد را تا قرن بیستم به طور خلاصه آورده است.

تحفه ابراهیم آوا (۱۳۷۸) مقاله کوتاه با عنوان «نخستین زن خوشنویس مسلمان ایرانی» به معرفی یکی از زنان کاتب این دوره به نام فاطمه بنت اقرع پرداخته است.

فاطمه گنجی (۱۳۹۹) در جلد ۲۸ دانشنامه جهان اسلام ذیل مدخل «شهادت ۲» مقاله‌ای توصیفی و کوتاه درباره یکی از زنان کاتب این عصر با عنوان شهیده بنت ابی نصر دارد.

خیرالله سعید (۲۰۱۱) کتابی به نام موسوعه الوراقه و الوراقین دارد که شامل موضوعاتی مانند توسعه صنعت کتابت در بغداد، ادوات کتابت، ظهور شغل وراقی، تعریف وراقت، بازار وراقان و مانند اینهاست. او در بخش پنجم کتاب به وراقان قاضی، ادیب و وراقان زن پرداخته است و در آن میان نام سه نفر از زنان وراق و کاتب ابتدای عصر عباسی را آورده است.

با در نظر گرفتن مرز باریکی که بین خوشنویسی و کتابت وجود دارد؛ تاکنون پیرامون زنان کاتب یا نسخه‌نویس به عبارتی ناسخان زن در دوره قاجار پژوهشی مستقل انجام نشده است. همان‌طور که اشاره شد، با وجود سایه‌ای که حکومت، خانواده و فرهنگ بر سر زنان افکنده بود اما باز هم آثاری وجود دارد که نشان از نقش زنان در کتابت و نسخه‌نویسی دارد و این وضعیت تاکنون مغفول مانده و بررسی و پژوهشی مستقل پیرامون آنان صورت نگرفته است و سهم زنان در کتابت نسخه‌های خطی در دوره قاجار مورد توجه و پژوهش نبوده است.

در این پژوهش برآنیم؛ علاوه بر نشان دادن سهم زنان در استنساخ نسخه‌های خطی و فراوانی نسخه‌های کتابت شده توسط آنان، به پرسش‌ها و مواردی چون: موضوعاتی که برای کتابت مورد توجه زنان بوده است، فاصله زمانی و ارتباط نسبی و سببی کاتبان زن با مؤلفین آثار، زبان نسخه‌های کتابت شده توسط زنان، موقعیت اجتماعی این گروه از کاتبان و سابقه علمی و خانوادگی آنان، درجه و اهمیت خط آنها در کتابت و همچنین نوع نسخه‌های کتابت شده از منظر کاربردی نیز پاسخ داده شود.

بانوان کاتب در نسخه‌های خطی

کتابت یا استنساخ نسخه یکی از مهمترین شاخصه‌ها و از عناصر مهم و کلیدی در معرفی نسخه‌های خطی است و کاتب نقش بسزایی در تاریخ نسخه‌نویسی و نسخه‌پژوهی دارد. در فهرستنویسی نسخه‌های خطی کاتب و ویژگی‌های کتابت جزء عناصر نسخه‌شناسی به شمار می‌رود که با توجه به اختلاف سلیقه‌ها در فهرستنگاری و عدم یکدستی که به دنبال آن است، این عنصر به ندرت یا به طور سهوی مورد غفلت واقع شده و همواره در سطوح مختلف فهرستنویسی اعم از نامگو، توصیفی یا تحلیلی، مورد توجه فهرستنگاران بوده است. نام کاتب و تاریخ کتابت در شناسایی و جایگاه نسخه از لحاظ علمی و تاریخی تأثیرگذار است.

۱. فاطمه دختر شیخ محمدبن یوسف

وی نسخه‌ای از «زادالمعاد» علامه مجلسی را کتابت نموده که تاریخ ندارد و متعلق به قرن ۱۲ق است و در کتابخانه آستان قدس (ش ۳۱۷۴) نگهداری می‌شود.

۱. منظور از خوشنویسان در این پژوهش‌ها، افرادی هستند که با خطی مرغوب و اکثراً درجه عالی به تولید اثری هنری و تزئینی و زیبا (گاهی علمی) می‌پردازند، اما منظور از کاتبان در این نوشتار، اشخاص و بانوانی است که با هر درجه از مرغوبیت خط به تولید اثری غالباً علمی یا آموزشی در قالب کتاب و رساله پرداخته‌اند.

۲. نورالهدی خوشنویس

دو کتاب «نوادر الالفاظ» سراج‌الدین علی آرزو و «سحر حلال» از اهلی شیرازی را به تاریخ ۱۲۳۷ ق کتابت نموده که در کتابخانه دانشگاه تهران (ش ۲۴۲۶) موجود است.

۳. سیده بنت سیادت پناه آقامیر باقر موسوی

احتمالاً پدرش از صاحب‌منصبان و دارای مقام و منزلت اجتماعی بوده و وی از خاندان اهل علم و تفاخر باشد. وی «رساله‌ای در اصول دین» منسوب به میرزا ابوقاسم بن محمدحسن میرزای قمی را به تاریخ دوشنبه جمادی الثانی ۱۲۴۲ ق. کتابت نموده که در کتابخانه مجلس (ش ۱۴۳۵۶) موجود است.

۴. بی بی بیگم دختر میرمحمدعلی موسوی مازندرانی

از زنان حرمسرای محمودمیرزا قاجار و اهل علم و ادب و فاضله بوده و در حرمسرای وی نسخه‌ای از «دیوان واله داغستانی» را به تاریخ چهارم صفر ۱۲۴۵ ق کتابت نموده و در کتابخانه مرعشی (ش ۷۰۵۵) موجود است.

۵. ام سلمه، مشهور به گلین خانم

از دختران هنرمند فتحعلی‌شاه قاجار و از مادری اهل گرجستان به نام زیباچهر بوده است. از کاتبان پر کار بوده و آثار شناخته شده و تاریخ‌دارش در فاصله سال‌های ۱۲۲۲-۱۲۵۵ ق کتابت شده است؛ شامل قرآن نفیس و آثار متعدد هنری در ادعیه، جزوات قرآن، مرقعات، او به رنگ‌نویسی نیز علاقمند بوده و بیشتر آثار اصیل او در کتابخانه کاخ گلستان، ملی، مجلس و ملک موجود است. نمونه‌ای از آثار او در کتابخانه ملی (ش ۶۰۱۶) نگهداری می‌شود.

۶. آغابیگم متخلص به خاتون

وی دختر محمدتقی بن میرزا محمد زکی علی‌آبادی مازندرانی (۱۱۹۸-۱۲۵۶ ق) است که او ملقب به «صاحب دیوان» و ادیب، فاضل، شاعر و از رجال دربار فتحعلیشاه قاجار و منشی‌الممالک دربار بوده است. آغابیگم از بانوان اهل علم و فضل بوده که در خانواده‌ای فرهنگی و اهل علم رشد و نمو یافته است. «رساله خاقانیه یا کلام الملوک ملوک الکلام» جزء آثار نگارش یافته پدرش به شمار می‌رود که وی نسخه‌ای از آن را در سال ۱۲۵۰ ق کتابت نموده و در کتابخانه ملی (ش ۱۷۰) موجود است.

۷. خدیجه بنت ملا محمدبن محمد کاظم تبریزی

نسخه‌ای از کتاب «جواهر المسائل» اثر ملامحمد مهدی محلاتی را در تاریخ ۲۰ صفر ۱۲۵۵ ق که زمان حیات مؤلف کتابت نموده و در کتابخانه ملی شیراز (ش ۱۷۰/۳) موجود است.

۸. بنت ملاباقر زنوزی

زمان کتابت نسخه‌ای از کتاب «نجات العباد فی يوم المعاد» در سوم شوال ۱۲۵۸ ق در نجف می‌زیسته و نسخه آن در کتابخانه نمازی خوی (ش ۷۵۹) موجود است.

۹. قمر النساء بنت قطب‌الدین

وی از بانوان فاضله و عالمه قاجاری و پدرش از علمای عصر بوده است. نسخه‌ای از رساله «رحمة الامة فی اختلاف الائمة» منسوب به صدرالدین محمد قاضی صفدی را کتابت و پس تصحیح و حاشیه نموده و اجازاتی که کاتب از اساتید و علمای عصر خود دریافت کرده در انتهای نسخه آمده است. یکی از اجازات، از شخصی به نام محمدعلوی بن محمدعثمان و دیگری نامعلوم است. القاب به کار رفته برای کاتب در این اجازات: «اللاخت الصالحة العفيفة الطالبة العلم المسماة بقمرالنساء بنت العالم الفاضل قطب الدین...». تاریخ پایان کتابت او دوشنبه ۲۹ جمادی الثانی ۱۲۵۸ ق بوده و نسخه در کتابخانه مرعشی (ش ۶۸۳۰) نگهداری می‌شود.

۱۰. خانم جان خانم

از بانوان قاجاری است که با دربار ارتباط داشته و نسخه‌ای از کتاب «نورالعیون» را به دستور محمدولی میرزا، پسر سوم فتحعلی شاه قاجار کتابت نموده است. همچنین «رساله‌ای در فضایل الصلوات علی النبی و آله»، «ترجمه عهدنامه مالک اشتر نخعی» و «رساله‌ای فی مسئله الاراضی» از دیگر آثار کتابت شده او بین سال‌های ۱۲۴۰-۱۲۶۲ ق است که در قالب یک مجموعه در کتابخانه مجلس (ش ۱۲۴۷۴) موجود است.

۱۱. ملا سکینه سمیرمی

از زنان فاضله و عالمه بوده و از وی با لقب «ملا» یاد شده است. در خانواده اهل هنر و علم پرورش یافته. پدرش آخوند ملامحمدخان سمیرمی، از علما و مؤلفین و خوشنویسان بزرگ عصر قاجاری است. وی عمه خطاط بزرگ و خوشنویس معاصر استاد حبیب الله فضالی است. او نسخه‌ای از «مختارنامه» را که از تألیفات پدرش، ملامحمدخان بوده به تاریخ پنجشنبه پنجم محرم ۱۲۶۳ ق کتابت نموده و در کتابخانه مجلس (ش ۱۴۶۹۲) موجود است.

۱۲. شاه بیگم ملقب به ضیاءالسلطنه

دختر دیگر فتحعلی شاه قاجار و همسر میرزا مسعود وزیر بوده است. وی به دلیل فضل و کمال و خط خوب، متصدی قرائت و تحریر نامه‌های محرمانه شاه بود و در تمام مراسم‌ها و جشن‌ها از ملازمان پدر بود. شاه بیگم سخنور، هنرمند، فرمان‌نویس، خزانه‌دار و نگارنده کتاب دعا و زیارت‌نامه‌های متعدد است. دو نسخه

قرآن کریم نفیس و ارزشمند و زیارتنامه‌های متعدد به خط خوش او که بین سال‌های ۱۲۴۴-۱۲۶۵ ق کتابت نموده در موزه ملی تهران (ش ۸۵۸۴) موجود است.^۱

۱۳. مهرماه سلطان

کاتبی خردسال است که ظاهراً در سن نه سالگی و به تاریخ ۱۴ جمادی الاول ۱۲۶۶ ق نسخه‌ای از «گلشن عطارد یا ترسل» را کتابت نموده. خط و ظاهر نسخه زیبا و مرغوب نیست، گویا وی از نوادگان فتحعلی شاه قاجار است. دستخط او در کتابخانه مجلس (ش ۹۶۶۳) موجود است.

۱۴. فاطمه بارفروش

دختر ملامحمدبن مقیم بارفروش مازندرانی مشهور به ملاحمزه شریعتمدار و از خانواده اهل علم است. پدرش از علمای بابل و محدث، متکلم، فقیه و اصولی بوده است. او علاقه‌مند به آثار و افکار شیخ احمد احسایی بوده و حدود بیست تألیف در موضوعات نام برده، برجای گذاشته است. بانو فاطمه نسخه‌ای از آثار پدرش با عنوان «اللمعان: شرح لمعه شهیدثانی» در دهم ربیع الثانی ۱۲۶۶ ق کتابت نموده و در کتابخانه مرعشی (ش ۱۰۰۲۸) نگهداری می‌شود.

۱۵. خورشید رشدی ناصری

وی نسخه‌ای از رساله «مراقی الفلاح بامداد الفتح» را به تاریخ ۲۴ ذیقعد ۱۲۶۸ ق کتابت نموده و در کتابخانه مرعشی (ش ۷۶۴۴) موجود است.

۱۶. فاطمه نوربخشی مشهور به حاجیه «سیدخانم».

وی فرزند سیدجواد نوربخشی حسینی بروجردی است. مجموعه‌ای مشتمل بر سه رساله با عناوین «جواهر المسائل» ملامحمدمهدی بن محمدباقر محلاتی، «سراج العباد» شیخ مرتضی انصاری و «رساله عملیه» ملااحمد نراقی را که رساله دوم تاریخ ۱۲۷۲ ق را دارد، کتابت نموده و مجموعه حاضر در کتابخانه مرعشی (ش ۶۸۱۸) موجود است. مهر مربع او با نقش «فاطمه بنت جواد» در انتهای انجامه آمده است.

۱۷. حاجیه سکینه خاتون بنت حاج محمدباقر

وی از زنان فاضله و عالمه‌ای بوده که پس از کتابت رساله «طب الائمه»، آن را تصحیح و مقابله نموده و یادداشت «بلغ قبلاً بقدر الوسع و الطاقه تمام» را در پایان آورده است. این نسخه که در تاریخ چهارشنبه ربیع الثانی ۱۲۹۲ ق اتمام یافته در کتابخانه گلیپایگانی قم (ش ۴۱۴۷/۱-۲۱/۶۷) نگهداری می‌شود.

۱. سه نسخه از قرآن‌های کتابت شده به خط او در کتابخانه ملی (ش ۸۵۸۴)؛ کتابخانه آستانه حضرت معصومه (س) (ش ۳۰۵) و دیگری نسخه‌ای است که در کتابخانه شخصی خانم دکتر نوش‌آفرین انصاری موجود است. در برنامه تاریخ شفاهی که نگارنده خدمت این استاد بزرگوار رسید ایشان بیان کردند از نوادگان دختری ضیاءالسلطنه به شمار می‌روند و قرآن نفیسی به خط او به طریق مورثی نزد ایشان موجود است.

۱۸. انیس

وی مجموعه‌ای از اشعار فارسی همراه با ظرافت و هنر خاصی که در گرافیک صفحات لحاظ داشته به صورت چلیپا در تاریخ ۶ ربیع‌الاول ۱۲۹۴ ق کتابت نموده است. نسخه دست چند تن از رجال قاجاری بوده و یادداشت و افزوده‌هایی از محمدحسن میرزا معتضالدوله، تاج‌السلطنه و عضدالسلطنه دارد. در کتابخانه مسجد اعظم قم (ش ۲۴۰۹) نگهداری می‌شود.

۱۹. مریم

«کلیات ابراهیم بن بزرگمهر» را در تبریز و طی سال‌های ۱۲۹۶-۱۲۹۷ ق کتابت نموده که از لحاظ ظاهری و آرایه‌های هنری نسخه نفیس و ارزشمندی به شمار می‌رود. در کتابخانه کاخ گلستان (ش ۲۲۸۰) موجود است.

۲۰. بلقیس خانم

«دیوان صبای کاشانی» را قرن ۱۳ ق کتابت نموده و در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران (ش ۱۳۱) نگهداری می‌شود.

۲۱. خیرالنساء

از دیگر دختران خوشنویس و هنرمند فتحعلیشاه قاجار است و قرآنی به خط نسخ از وی معرفی شده است (ر.ک: سلطانی‌فر، بانوان قرآن نویس، ۱۳۸۵، ص. ۲۲۴).

۲۲. زن سید مراد

«تحفه نظامیه» شرح سی فصل خواجه نصیرالدین طوسی است که وی در قرن ۱۳ ق کتابت نموده و در معرفی خود تنها موردی است که انتساب به نام همسر نموده است. نسخه موجود در کتابخانه ملک (ش ۲۳۴۴) موجود است.

۲۴. سلطان خانم (رقیه) بهبهانی

بانویی فاضله و عالمه و از خاندان آل آقا و فرزند آقامحمدعلی بهبهانی است. با عموزاده خود عبدالعلی بن عبدالحسین وصلت نموده و میرزا احمد بهشتی فرزند و جلال‌الدین بهشتی نوه اوست که از زعمای برجسته طریقه نعمه‌اللہی در کرمانشاه بودند. نسخه‌ای از «عین الحیوة» علامه مجلسی را در قرن ۱۳ ق کتابت نموده که در کتابخانه الهیات دانشگاه تهران (ش ۱۶۸) نگهداری می‌شود.

۲۵. فخرجهان خانم ملقب به فخرالدوله

دختر ششم فتحعلیشاه قاجار و از دختران متشخصه، باعرضه، خوشنویس و هنرمند او بود. وی علی میرزا ظل السلطان را از کشته شدن به دست محمدشاه نجات داد. از او مرقعی با انواع خطوط (نسخ، نستعلیق، شکسته نستعلیق، رقاع، ثلث و خط ناخنی) برجای مانده است. این مرقع مهرهای مشیرالسلطنه، حسین بن هدایت‌الله، محمدرضا الحسینی و مهر ناصرالدین شاه قاجار در پیشانی قطعه اول دارد. در کتابخانه کاخ گلستان (ش ۱۵۷۴) نگهداری می‌شود.

۲۶. مریم

نسخه‌ای از «زادالمعاد» علامه مجلسی را کتابت نموده و از منظر خط با کاتب دیگری که با همین نام معرفی شده هیچ تناسبی ندارد. این نسخه در کتابخانه آستانه حضرت معصومه قم (ش ۴۵۱) موجود است.

۲۷. حاجیه ملک خانم نراقی کاشانی

از زنان فاضله و عالمه عصر خود بوده و از خانواده اهل علم و فرزند ملامحمد نراقی و نوه ملااحمد نراقی است. نسخه‌ای از «دیوان عبدالرزاق کاشی» که از جمله آثار خاندانی او بوده را کتابت نموده و در کتابخانه دانشگاه تهران (ش ۴۸۴۶) موجود است.

۲۸. گوهر ملک

بانویی فاضله و عالمه و دختر حاجی شیخ نورالدین بنارویه از اولاد شیخ ابودر غفاری است. نسخه‌ای از «مقباس المصابیح» علامه مجلسی را کتابت و پس با نسخه به خط مؤلف مقابله و تصحیح نموده و حواشی مختصری بر آن دارد. بخشی از انجامه وی چنین است: «بلغ و صحّ مقابلهً و تمت الرساله و الحواشی بعون الله سبحانه و تمت جميع ادعیه و الحواشی بیده الفانیه المفتقر الی رحمۀ ربه الغنی گوهر ملک...». در کتابخانه گلیپایگانی قم (ش ۴۱۴۰ - ۲۱/۶۰) نگهداری می‌شود.

۲۹. مریم بانو نائینی

از اساتید خط و نواده حاج عبدالوهاب از دولتمردان نایین بود. نه تنها در میان تک‌شمار زنان خوشنویس بلکه از خطاطان مرد بنام آن زمان هم پیشی داشت و همانند او در نسخ‌نویسی وجود نداشت. وی قرآن به خط نسخ خفی و نفیس در تاریخ ۱۳۰۲ق کتابت نموده و به نام ناصرالدین شاه قاجار اهدا کرده است. (ر.ک: سلطانی‌فر، بانوان قرآن نویس، ۱۳۸۵، ص. ۲۲۴)

۳۰. حبیبه دختر آزادخان چاپارچی باشی

دختر آزادخان چاپارچی و نائب چاپارخانه یزد و کرمان بوده است. از بانوانی که به دربار رفت و آمد داشته و همنشین با زنان حرمسرای ناصرالدین شاه بوده است. مجموعه‌ای شامل چهار رساله را در کاخ عشرت

آباد تهران با تاریخ ۱۳۰۲ق کتابت نموده که عناوین آن عبارتند از: «رساله عشق و محبت»، «رساله بساط و نشاط»، «لوايح جامی» و «منشآت بی بی حبیبه» از این مجموعه دو نسخه در کتابخانه مرعشی (ش ۷۵۲۱) و کتابخانه مجلس موجود است.

۳۱. بانو هاجر

از جمله زنان خوشنویس قاجاری است که «رساله ظفرنامه یا پندنامه بزرگمهر» را با خط نستعلیق شکسته و زیبا در سال ۱۳۰۷ق کتابت نموده است. در کتابخانه دانشگاه تهران (ش ۷۵۳۵) موجود است.

۳۲. آسیه حسینی فرزند حسین

نسخه‌ای از رساله «تأدیب النسوان» عبیدزاکانی را در تاریخ ۲ شعبان ۱۳۱۳ق به پایان رسانده و دارای مَهر «عفت السلطنه» (از زنان ناصرالدین شاه و مادر ظل‌السلطان) و در کتابخانه ملک (ش ۵۸۵) موجود است.

۳۳. شوکة السلطنه

از زنان اهل علم و مورخ قاجاری است. کتاب «کشف الغرایب یا رساله مجدییه (در انتقاد از اوضاع ایران در زمان قاجار)» در خراسان به سال ۱۳۱۴ق کتابت و در کتابخانه ملی (ش ۲۸۱۱) نگهداری می‌شود.

۳۴. خورشید کلاه خانم

وی ادیب، شاعر، خوشنویس و از زنان هنرمند و بلندآوازه دوران قاجار و دختر علینقی حکیم‌الممالکی^۱ است. وی کتابت قرآنی نفیس را در صفر المظفر ۱۳۰۷ق به پایان رسانده و طبق عریضه‌ای که به خط او در قرآن موجود است، گویا او همسر شاهزاده سیف‌الدین میرزا، از حاضرین رکابان و توپچیان ناصرالدین شاه، بوده است. او در نسخ‌نویسی پیرو شیوه ایرانی میرزا احمد نیریزی بوده که تقریباً تمام نسخ‌نویسان این دوره پیرو وی بوده‌اند. ناصرالدین شاه در سال ۱۳۰۶ق، پیش از سفر سومش به اروپا، کتابت مصحفی را به خورشید کلاه خانم سفارش داده و او این کار را تا چند روز پیش از بازگشت شاه، در صفر ۱۳۰۷ به پایان می‌رساند. این نسخه که دارای تذهیب درخور بوده و مهر میرزا احمدخان مشیرالسلطنه را نیز دارد از نفایس کتابخانه کاخ گلستان است (ر.ک: سلطانی‌فر، بانوان قرآن نویس، ۱۳۸۵، ص. ۲۲۴).

۳۴. ملک خانم اوکتایی

از بانوان فرهیخته و فرهنگی اواخر عصر قاجار و ابتدای دوره پهلوی اول است. او از خاندان آستان مقدس رضوی و از کارمندان کتابخانه آستان و زنان فعال فرهنگی بوده است. کاتب چندین نسخه خطی است که در

۱. حکیم‌الممالک، پسر حاج آقا اسماعیل جدیدالاسلام و نوه ملابابا کلیمی اصفهانی بود. حاج آقا اسماعیل (م. ۱۲۹۲ق) نیای خورشید کلاه خانم، از پیشخدمتان فتحعلیشاه و محمدشاه و ناصرالدین شاه بود و پسرش حکیم‌الممالک پزشک مخصوص و از نزدیکان ناصرالدین شاه بوده و علاوه بر آن، مدتی حاکم ولایاتی چون عراق (اراک)، بروجرد و قم نیز بوده است (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۸، ج ۳، ص. ۵۷۰).

همان کتابخانه کتابت نموده و اسنادی پیرامون مسئولیت و فعالیت‌های او در کتابخانه آستان قدس موجود است. سه نسل از خاندان اوکتایی مسئولیت اداره کتابخانه آستان قدس را برعهده داشته‌اند. عبدالعلی اوکتایی که اولین فهرست کتابخانه به همت و اراده ایشان (سال ۱۳۰۵ش) منتشر شد، از چهره‌های نام آشنا در حوزه مخطوطات است. عناوین کتابت شده توسط بانو اوکتایی «خاطرات روزانه محمدحسن خان اعتمادالسلطنه» و «مقاصد الالحن یا جامع الالحن» است که در همان کتابخانه (ش ۶۴۵۴؛ ۵۳۹۰) نگهداری می‌شود.

یافته‌های پژوهش

مقاله حاضر به طرح یک پرسش کلی میزان سهم و نقش «زنان در کتابت نسخه‌های خطی در عصر قاجار» می‌پردازد و به دنبال آن به پرسش‌های جزئی‌تری که ضمن این پژوهش و با بررسی آثار کتابت شده توسط آنان مطرح می‌شود و به شرح ذیل است، پاسخ می‌دهد.

۱. فراوانی نسخه‌های کتابت شده توسط بانوان از لحاظ قرابت زمانی با دوره یا عصر حیات مؤلف

جدول ۱. فاصله کتابت با دوره حیات مؤلف

تعداد	زمان
۸	تاریخ کتابت در عصر مؤلف یا در فاصله زمانی کمتر از یک قرن با مؤلف
۹	تاریخ کتابت با عصر مؤلف فاصله بسیار دارد
۸	دوره حیات مؤلف نامعلوم است
۹	قرآن، ادعیه و احادیث کتابت نموده‌اند
۳۴	جمع کل

طبق جدول ۱، یافته‌ها نشان می‌دهد از بین ۳۳ نفر بانوی مورد بررسی، ۹ نفر از این بانوان خوشنویس و هنرمند و اکثراً از بانوان درباری و شاهزاده بوده‌اند که آثار برجای مانده از آن‌ها کتاب مقدس و ادعیه و قطعاتی در خوشنویسی است؛ ۸ نفر از آن‌ها نسخه‌هایی را کتابت نموده‌اند که در عصر مؤلف بوده و غالباً از تألیفات آباء و اجدادی یا نزدیکان و اقوام خود را استنساخ کرده‌اند؛ ۹ نفر از گزینه‌های مورد پژوهش فاصله زمانی زیادی با مؤلف آثار استنساخ شده خود دارند؛ و تعداد ۷ نفر آن‌ها نسخه‌هایی را کتابت نموده‌اند که دوره حیات مؤلف آن‌ها نامعلوم است و فاصله آن‌ها از لحاظ زمانی با مؤلف آثار مشخص نشد.

۲. فراوانی موضوعی نسخه‌های خطی که توسط بانوان کتابت شده.

جدول ۲. پراکندگی نسخه‌های کتابت شده توسط بانوان از لحاظ موضوعی

موضوع	تعداد به عنوان
ادبیات، دواوین، شعر و منشآت	۱۲
فقه و مسائل فقهی	۱۰
قرآن و ادعیه	۹
کلام و عقاید و اصول و انساب	۹
تصوف و عرفان	۷
تاریخ و تاریخ اسلام	۴
اخلاق و آداب	۳
تفسیر- قصص قرآن	۲
ریاضی- هئیت- پزشکی و سایر	هر کدام یک یا دو عنوان

در پاسخ به دومین پرسش پژوهش، نسخه‌های کتابت شده توسط بانوان از لحاظ موضوعی، از پراکندگی برخوردار هستند و شامل موضوعاتی چون: فقه، کلام، تصوف و عرفان، تاریخ، ادعیه، آداب و اخلاق، پزشکی، ریاضی، تفسیر و غیره هستند، اما از این تعداد بیشترین فراوانی مربوط به موضوعات ادبیات و شعر و فقه شیعه به ترتیب به تعداد ۱۲ و ۱۰ عنوان است و کمترین فراوانی شامل موضوعات حدیث، نجوم و پزشکی است که هر کدام یک الی دو عنوان را شامل می‌شود.

۳. فراوانی نوع خط و زبانی نسخه‌های خطی که توسط بانوان کتابت شده

جدول ۳. پراکندگی کاتبان زن براساس نوع خط

نوع خط	تعداد کاتبان
کاتبان خوشنویس	۹ نفر
خط نسخ تحریری یا معمولی	۸ نفر
خط نستعلیق و شکسته نستعلیق	۱۷ نفر
جمع کل	۳۴ نفر

طبق جدول در پاسخ به سومین پرسش پژوهش، نسخه‌های کتابت شده توسط بانوان به خط نسخ و نستعلیق بوده است که از لحاظ درجه و کیفیت و پختگی در سطوح مختلف هستند. برخی بانوان معرفی شده در این نوشتار در خط و ربط تبحر داشته و حتی شهره بوده‌اند، از جمله ضیاءالسلطنه دختر خاقان که در تحریر و تقریر یگانه بود و مرقومه‌های فتحعلیشاه را می‌نوشت. از این بانوی هنرمند کتب ادعیه به یادگار مانده

است. همچنین ام‌السمله دختر بزرگ فتحعلی‌شاه که قرآن‌های زیبا، ادعیه و زیارات متفاوتی را به خط خوش کتابت نموده است. بانوان درباری قاجار یا شاهزادگان معمولاً از خط خوشی برخوردار بوده‌اند و در زمره خوشنویسان به شمار می‌روند و نسخه‌های کتابت شده توسط آن‌ها از لحاظ خط با درجه کیفیت بسیار بالایی هستند؛ اما از سویی، دیگر کاتبان نسخه‌های علمی و درسی با خطوط نسخ و نستعلیق و با کیفیت متوسط یا حتی پایین کتابت شده است. از بین ۳۳ کاتب معرفی شده تعداد ۹ نفر کاتب خوشنویس بوده و نسخه‌های تزئینی و هنری کتابت نموده‌اند؛ ۷ کاتب به خط نسخ و ۱۷ کاتب به خط نستعلیق کتابت نموده‌اند که از لحاظ کیفیت و خط‌شناسی در درجه اهمیت گوناگونی هستند. اما نسخه‌های کتابت شده توسط بانوان دو زبان فارسی و عربی را شامل می‌شوند که به ترتیب حدود ۲۵ نفر از آنان به فارسی و ۸ نفر نسخه‌های به زبان عربی نگاشته‌اند.

۴. موقعیت اجتماعی و سابقه علمی و خانوادگی بانوان کاتب

جدول ۴. موقعیت علمی و اجتماعی و خانوادگی بانوان کاتب

تعداد	موقعیت بانوان
۱۰ نفر	بانوان درباری و حرمسرا و شاهزادگان که غالباً نسخه‌هایی را با ویژگی‌های ظاهری زیبا و تزئینی کتابت کرده‌اند.
۱۰ نفر	بانوان عالمه که در خانواده‌های علمی رشد و نمو یافته‌اند.
۱۴ نفر	اطلاعاتی جز نام، یا نام پدر یا نام همسر از آنها نداریم.

طبق جدول ۴ و در پاسخ به پرسش چهارم پژوهش، اکثر بانوان کاتب معرفی شده در این نوشتار متعلق به عصر قاجار هستند که با توجه به اطلاعاتی که از آنان حاصل شد از لحاظ موقعیت اجتماعی و علمی در سه دسته قرار می‌گیرند. ۹ نفر آن‌ها از بانوان درباری و حرمسرا یا شاهزاده هستند، مثل: ام سلیمه و خواهرش دختران فتحعلیشاه، زمره ملک دختر سلطان محمود و خواهرزاده سلطان سنجر، بی‌بی بیگم و بی‌بی حبیبه از زنان حرمسرا و غیره؛ ۱۰ نفر از زنان با مشخصه‌ای که از آن‌ها درج شده از خانواده‌های اهل علم بوده و پدر و اجدادشان عالم، قاضی، ملا و غیره بوده‌اند، مثل: آغابگم دختر محمدتقی بن میرزا محمد زکی علی‌آبادی مازندرانی، فاطمه بارفروش، دختر ملامحمد بارفروش مشهور به ملاحمزه شریعتمدار علمای بابل و غیره که تعدادی از این بانوان نسخه‌های خانوادگی و خاندانی خویش را کتابت نموده‌اند و ۱۴ نفر از آن‌ها اطلاعات چندانی در دست نیست و تنها یک نام از آن‌ها ثبت شده و نهایتاً نام پدر یا همسر که نمی‌توان تشخیص داد از نظر علمی و اجتماعی چگونه بوده‌اند؛ مثل: زن سید مراد، نساء، صبورا، بنت اسماعیل، سکینه بنت محمد امین و غیره.

۵. کاربرد نسخه‌های کتابت شده توسط بانوان

جدول ۵. نسخه‌های کتابت شده توسط بانوان

کاربرد نسخه‌های کتابت شده
نسخه‌های هنری و تزئینی که غالباً قرآن، ادعیه و زیارات را شامل می‌شود.
نسخه‌های درسی و آموزشی است که معمولاً از جمله آثار پرنسخه‌اند.
نسخه‌های علمی

نتیجه‌گیری

زنان از گذشته در پایگاه اجتماعی، علمی و فرهنگی نقش مهمی در جامعه داشته‌اند. امر کتابت و کتاب‌آرایی نیز از جمله اموری است که نقش زنان را در اعصار گوناگون قابل تأمل و بررسی می‌نماید، اما اطلاعات ثبت شده در این زمینه بسیار اندک بوده و نیاز به مطالعات گسترده‌تری دارد. چرا که در گذشته علاوه بر زنان عالمه و خوشنویس و اهل علم که برحسب نیاز یا علاقه یا به دستور اساتید و بزرگان خود نسخه‌هایی را کتابت کرده‌اند، گروهی هم در مشاغل خانوادگی همکاری داشته‌اند و در خانواده‌هایی که استنساخ را به منظور امرار معاش انجام می‌دادند زنان و دختران مشارکت و همکاری داشته‌اند؛ اما به دلایل مختلف در ثبت نام و نشان آن‌ها کوتاهی شده است که چند دلیل می‌توان بر آن برشمرد. اول آن که، در گذشته خشوع و خضوع کاتبان (حتی در مردان کاتب) مانع ثبت نام آن‌ها می‌شد و در بسیاری از موارد حتی مردان کاتب هم در نوشتن نام خود یا تمایل نداشته‌اند یا نام پدر و آباء و اجداد خود را مقدم بر نام خود می‌دانستند و نمی‌توان بانوان را از این امر مستثنی دانست. دوم آن که، تفاوت‌های جنسیتی و سایه‌ای که به دنبال آن از طرف حکومت، فرهنگ و جامعه و در نهایت مردان و خانواده آن‌ها بر سر زنان افکنده شده بود، بسیار پررنگ بوده و باعث شده امروزه نام و نشان کمتری از این گروه کاتبان در دست باشد. در این مورد، یعنی از لحاظ ثبت و ضبط اطلاعات کاتبان زن، بانوان دوره قاجار از اقبال بیشتری برخوردار بوده‌اند؛ گرچه در یافته‌های موجود در عصر قاجار هم همچنان این سایه را مشاهده می‌کنیم و بسیاری از آن‌ها در معرفی خود از عباراتی چون: صبیبه محمدامین؛ بنت ملاباقر؛ زن سید مراد و ... استفاده نموده‌اند. اما به هر روی نسخه‌های کتابت شده توسط بانوان در دوره قاجار بیشترین بسامد را نسبت به اعصار گذشته دارد و در دسترس است که به دلایل پیش گفته نمی‌توان گفت در دوره‌های قبل‌تر بانوان نقش کم‌رنگ‌تری داشته‌اند، بلکه در ثبت و ضبط نام آن‌ها اهمیتی نبوده است. در طول انجام این پژوهش توسط نگارنده، حدود ۱۸ بانو کاتب شناسایی شد که متعلق به قرن ۳ تا ۱۱ هجری بوده‌اند که در فرصتی بهتر معرفی خواهند شد.

تعدادی از زنان معرفی شده در این پژوهش، در هنر خوشنویسی سرآمد بوده‌اند به طوری که دستخط آن‌ها در بین مردم عادی و حتی درباریان و پادشاهان ارزشمند بوده است. از جمله آن‌ها دختران فتحعلیشاه، ضیاءالسلطنه و ام‌سلمه که در خطاطی و هنر خوشنویسی از بهترین‌های زمان خود بوده‌اند و امروزه آثار آن‌ها در موزه‌ها و کتابخانه‌ها جزء نفایس معرفی و نگهداری می‌شود. ضیاءالسلطنه به دلیل فضل و کمال و خط خوب، متصدی قرائت و تحریرنامه‌های محرمانه شاه بود و در تمام مراسم‌ها و جشن‌ها از ملازمان پدر بود. شاه‌بیگم سخنور، هنرمند، فرمان‌نویس، خزانه‌دار و نگارنده کتاب دعا و زیارت‌نامه‌های متعدد است. همچنین ام‌السلمله دختر بزرگ فتحعلی‌شاه که قرآن‌های زیبا، ادعیه و زیارات متفاوتی را به خط خوش کتابت نموده است. آثار بر جای مانده از این بانوان خوشنویس، نشانگر اهمیت و تقدس قرآن و سنت و به تبع آن کتابت قرآن و ادعیه، بیانگر عقاید و تمایل آن‌ها به دین و مذهب اسلام بوده است.

زنان کاتب و خوشنویس به دربار قاجار و نزد درباریان هم راه یافتند و توفیقات یا آثار سفارشی آن‌ها را کتابت می‌نموده‌اند، به گونه‌ای آن‌ها محرم اسرار دربار نیز بوده‌اند. از جمله آن‌ها، بی‌بی حبیبه دختر آزادخان چاپارچی که مجموعه‌ای را در حرمسرای ناصری کتابت نموده است. این مجموعه توسط نگارنده به تفصیل معرفی و منتشر شده است!

زنان عالمه و فاضله‌ای نیز بوده‌اند که دارای اجازه نقل حدیث و روایت از اساتید خود هستند، غالباً این بانوان در خانواده اهل علم و هنر پرورش یافته‌اند. از جمله آن‌ها قمرنساء، از بانوان فاضله و عالمه قاجاری که علاوه بر آن که دارای خطی زیبا و خوش بوده و استادانه نسخه‌ای را کتابت نموده و در چند مورد حاشیه و تصحیح بر متن نگاشته و نکته مهم‌تر از آن در انتهای نسخه کتابت شده سه اجازه از اساتید و مشایخ که بر وی نگاشته‌اند، آمده است. یکی از اجازات او از شخصی به نام محمد علوی بن محمدعثمان و دو تای دیگر نامعلوم است که با القاب «اللاخت الصالحة العقیفة الطالبة العلم المسماة بقمرالنساء بنت العالم الفاضل قطب الدین...» از او یاد کرده‌اند و نسخه دیگری که برای خود کتابت نموده: «مالکته و صاحبته القمر سلمها الله تعالی» بیانگر علم و فضل اوست. همچنین ملاسکینه که پدرش آخوند ملامحمدخان سمیرمی، از علما و مؤلفین و خوشنویسان بزرگ عصر قاجاری است که علم و هنر در خانواده آن‌ها مورثی بوده است. او عمه خطاط بزرگ و خوشنویس معاصر استاد حبیب‌الله فضائی است.

فعالیت کاتبان زن از لحاظ موضوعی بیشترین بسامد را در شعر و ادبیات و پس از آن، فقه دارد که شاید بتوان گفت موضوع شعر و ادبیات برگرفته از ذوق ادبی و شعرخوانی و مطالعات آزاد آن‌ها باشد که نسخه‌های

مورد علاقه و نیاز خود را کتابت نموده‌اند؛ و مسائل فقهی هم از جمله موضوعات مبتلابه و مورد استفاده آن‌ها بوده است که البته نسخه‌های درسی و آموزشی را می‌توان در درجه سوم از این منظر قرار داد. دختران فتحعلیشاه نقش پررنگی در خط و کتابت داشته‌اند و ام‌سلمه مشهورترین و پرکارترین آنان است. هر سه دختر او از خوشنویسان متبحر به شمار می‌روند، اما گذشته از آن‌ها و چندین خوشنویس دیگر که به نام آن‌ها اشاره شد، به طوری کلی نسخه‌های کتابت شده توسط بانوان قاجاری از لحاظ خط، در درجه متوسط یا متوسط رو به پایین قرار دارند و از کیفیت خط بالایی برخوردار نیستند. در نسخه‌های کتابت شده توسط بانوان، زبان فارسی غالب بوده و فارغ از نسخه‌های قرآن و ادعیه، تقریباً یک سوم یا کمتر از آن به زبان عربی بوده‌اند که شاید برگرفته از سطح آموزش و تحصیلات پایین که متأثر از محدودیت‌ها و فضای غالب فکری و فرهنگی حاکم بر جامعه بوده است، باشد.

منابع

- آتابای، بدری (۱۳۵۱). *فهرست قرآن‌های خطی کتابخانه سلطنتی*. تهران: چاپخانه زیبا.
- آزند، یعقوب (۱۳۹۳). *مکتب نگاری گری شیراز*. تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن».
- آل آقا، نظام‌الدین (۱۳۸۰). *خاندان آل آقا شجره و نوادگان علامه مجدد آقامحمدباقر وحید بهبهانی سرسلسله خاندان آل آقا... قم: فرهنگ آفتاب*.
- ابراهیم آوا، تحفه (۱۳۷۸). *نخستین زن خوشنویس مسلمان ایرانی*. نشریه کیهان فرهنگی، ۱۶۱، ۶۴-۶۵.
- افندی، عبدالله بن عیسی بیگ (۱۳۸۹). *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*. باهتمام سیدمحمود مرعشی و تحقیق سید احمد حسینی، بیروت: مؤسسه التاریخ الغربی.
- پنجه‌باشی، الهام؛ دادور، ابوالقاسم (۱۳۹۱). *مطالعه و بررسی نسخه‌های خطی قرآن به کتابت بانوان قاجار*. نشریه نگره، ۲۴، ۵.
- تاج‌السلمانی (۱۳۹۳). *تاریخنامه (شمس الحسن)*. مصحح اکبر صبوری، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- حاج‌باقریان، طیبیه (۱۴۰۰). *منشآت بی‌بی حبیبیه*. میراث شهاب، ۲۷، ۱۰۵ و ۱۰۶، ۲۸۴-۲۹۷.
- حدائق شیرازی، ابن یوسف (۱۳۵۶). *فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار*. تهران: کتابخانه سپهسالار.
- حسینی اشکوری، سیداحمد (۱۳۷۵). *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ایران - قم)*. زیر نظر سید محمود مرعشی. قم: کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۲۶.
- حضرتی، صادق (۱۳۸۷). *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ابراهیم دهگان*. قم: مجمع ذخائر اسلامی.
- حکیم، محمدحسین (۱۳۹۰). *اوراق عتیق (مجموعه مطالعات متن پژوهی، نسخه‌شناسی و فهرست‌نگاری)*. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۹۰). *دانشنامه جهان اسلام*. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.

درایتی، مصطفی (۱۳۹۱-۱۳۹۵). *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

ریاحی، محمدحسین (۱۳۸۴). *سمیرم خاستگاه استاد فضائلی (سیری کوتاه در تاریخ و فرهنگ سمیرم)*. در: تجلی فضائل: یادنامه استاد حبیب‌الله فضایی. به کوشش محمدحسین ریاحی، ویرایش محمدرضا زاده‌وش، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل.

سرمدی، عباس (۱۳۸۰). *دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام*. تهران: هیرمند.

سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۴). *تاریخ تصوف در کرمانشاه بانضمام پیشینه سلاسل و فرق صوفیه در غرب ایران*. با مقدمه عبدالحسین نوایی، تهران: مؤسسه فرهنگی نشر سها.

سلطانی‌فر، فاطمه (۱۳۸۵). بانوان قرآن نویس. *نشریه بینات (مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام)*، ۵۱، ۲۲۴-۲۲۸.

صباغی، نعمت‌الله (۱۳۸۵). زنان کاتب و حافظ قرآن در عصر پیامبر اعظم. کوثر، ۲۰، ۶۶-۶۱.

صفایی ملایری، ابراهیم (۱۳۳۷). صاحب دیوان علی آبادی. *نشریه ارمغان*، ۹(۲۷)، ۱، ۲-۶.

عباسی، علی‌اکبر و دیگران (۱۴۰۰). نقش زنان کاتب بغداد در توسعه علوم و فرهنگ اسلامی در عصر چهارم خلافت عباسی (۴۸۸-۶۵۶). *پژوهشنامه تاریخ اسلام*، ۱۱(۴۲)، ۴۵-۶۶.

قاسمی، رحیم (۱۳۸۹). *گلزار مقدس: مشاهیر تخت فولاد اصفهان*. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.

قلیچ‌خانی، حمیدرضا (۱۴۰۱). *ام سلمه (سده سیزدهم هجری)*. با همکاری شیدا رحیمی، مترجم بخش انگلیسی دلارام کاردار طهران. تهران: نشر پیکره.

مقدس اصفهانی، محمد (۱۳۷۸). *موعظه‌های لقمان حکیم: چهره جاوید زمان، در حکم و مواعظ لقمان*، تحقیق علویه *سادات آل رسول شمس‌آبادی*. اصفهان: کتاب زمان.

موسوی، آمنه؛ دلبری، شهربانو (۱۳۹۷). بررسی جایگاه منصب مهربرداری در آستان قدس رضوی از دوره صفوی تا قاجار. *فصلنامه گنجینه اسناد*، سال ۲۸، دفتر ۳، ۶-۳۰.

ناصرالدین قاجار، شاه ایران (۱۳۷۸). *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان*. به کوشش محمداسماعیل رضوانی و فاطمه قاضیها، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

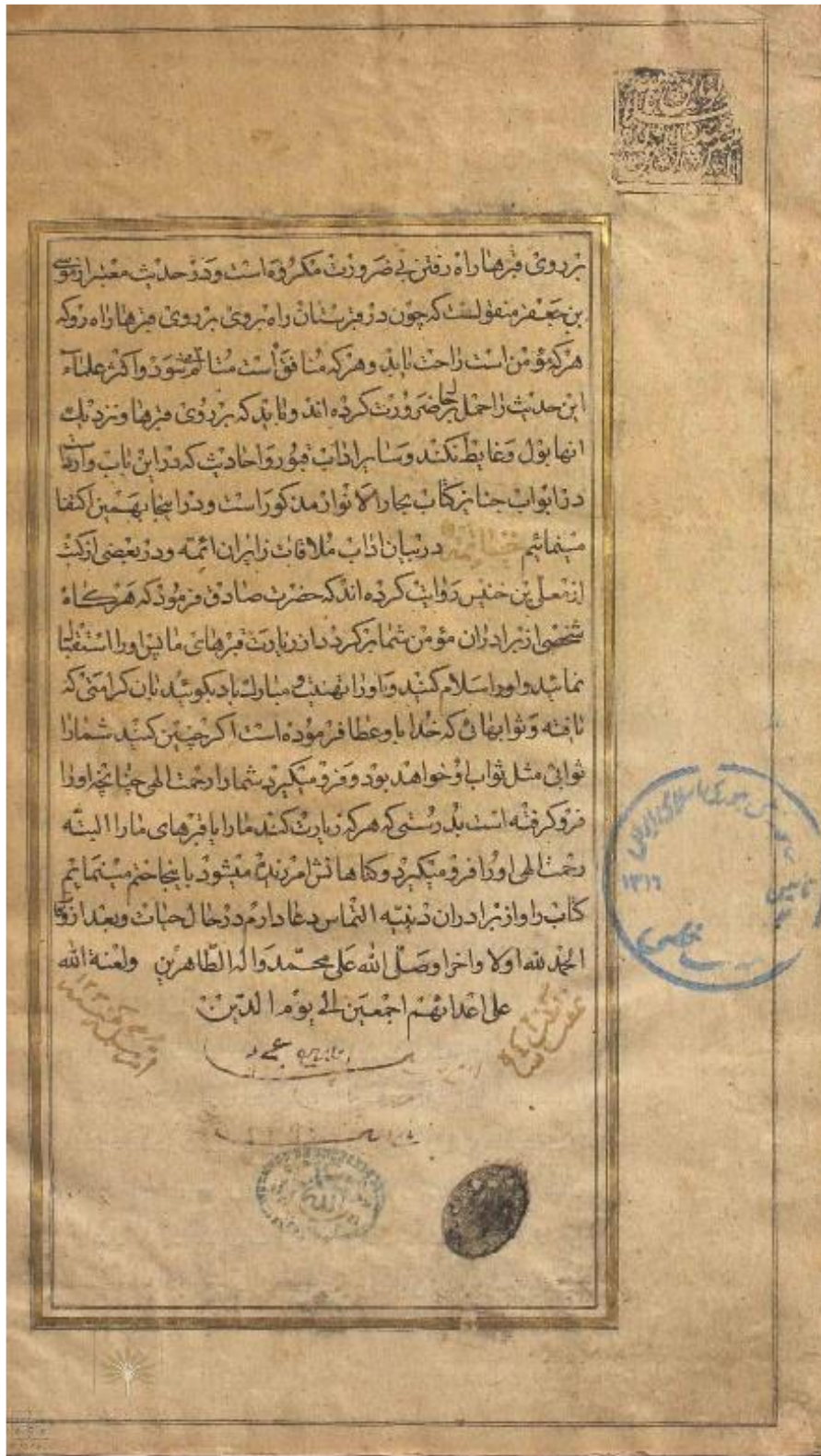
نوری، محمدتقی بن محمد مهدی (۱۳۸۶). *اشرف التواریخ (وقایع مربوط به حکومت محمدولی میرزا در خراسان)*. تصحیح سوسن اصیلی. تهران: میراث مکتوب.

نوری همدانی، حسین (۱۳۸۲). *جایگاه بانوان در اسلام*. قم: مؤسسه تحقیقاتی مهدی موعود (عج).

هدایت، رضاقلی بن محمدهادی (۱۳۴۰). *مجمع الفصحاء*. به کوشش مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر.

مجله الکترونیکی راسخون (مشاهیر)؛ <https://rasekhoon.net/mashahir/>

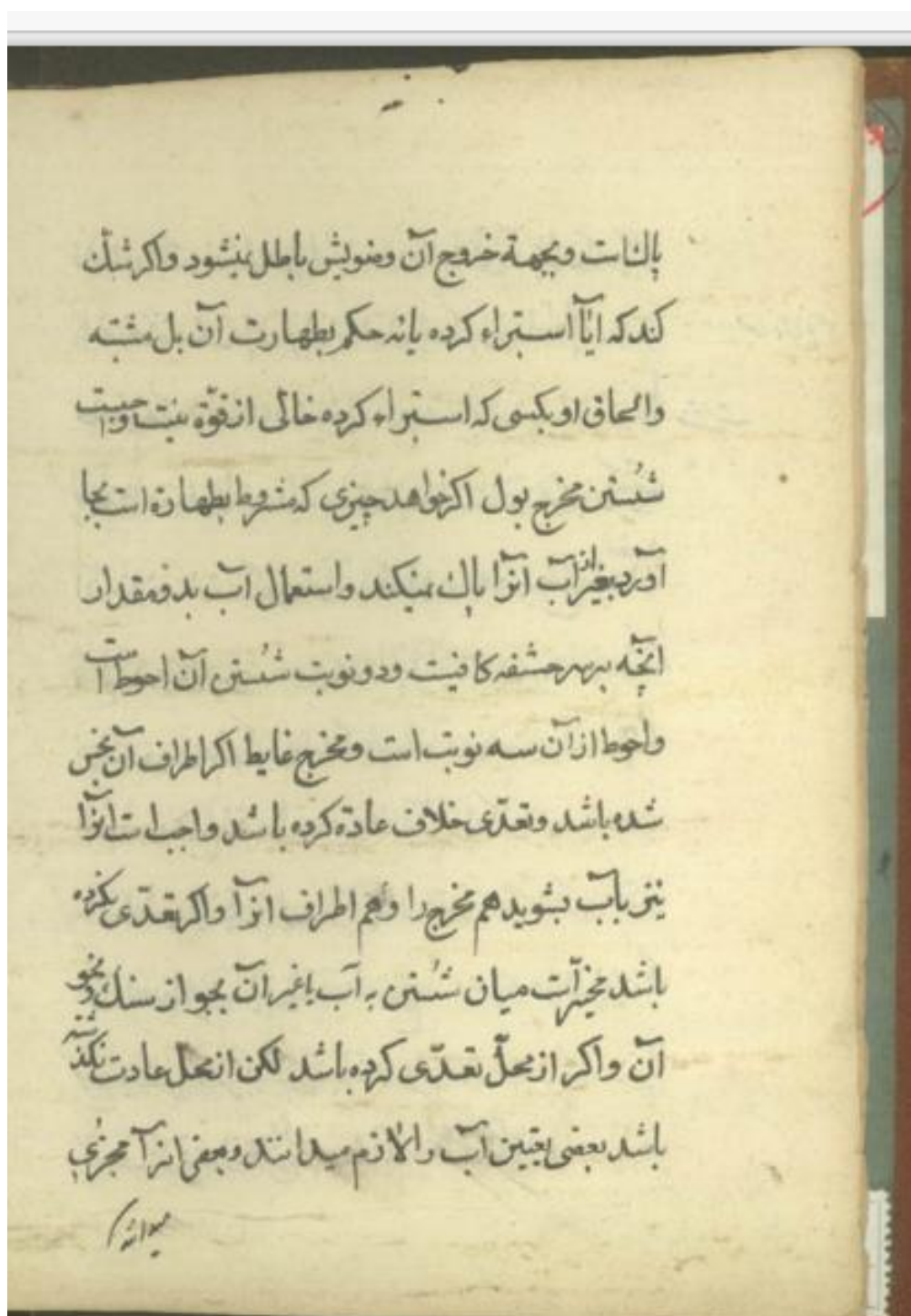
پیوست



تصویر ۱. رساله‌ای در ارث، کاتب: حوری جهان؛ قرن ۱۲ق؛ کتابخانه مجلس، ش ۸۷۹۸.



تصویر ۲. تحفة الزائر، کاتب: ام سلمه، دختر فتحعلی شاه قاجار، قرن ۱۳ق؛ کتابخانه ملی، ش. ۱۹۹۳۶.



تصویر ۳. رساله‌ای در اصول دین، کاتب: بنت سیادت پناه، قرن ۱۳ق؛ کتابخانه مجلس، ش. ۱۴۳۵۶/۲.

الحکمها الاول وهو ظاهر ان الارض با دم الاثر فيها لا يكون احکم الاول وهو المخرج فيها وما
 ذلك الا لاجل تجوز كونها مملوكة مسلم لا بل مملوكة الاثر فيها فظهر من التبعية المذكورة في كلامهم
 واما حکم الارض الاثقال الترخ فيها فنقول انها تكون للقبيلة وبعده الامام عشر شرا وانه حال الغيبة
 كغده الا ان تكون جماعة للشيعه من جهة الامام بعين ان قبه الملك لم يرض به في غير ذلك
 التصرفات وبدل شرط الاول ارواه محمد بن مسلمة الموثق عن ابي جعفر عليه السلام انه سمعه يقول الاثقال
 من ارض لم يكن فيها بركة دم او قوم صولوا او اخطوا ابديهم وما كان من ارض خيرة او يكون
 اودية فهذا كله من الفرض والاثقال لله وللرسول فاذا كان لله فهو للرسول ايضا حيث يجب
 ما رواه بسند لا يخرج عن الباقر ما رواه اسحق بن عمار ورواه مسلمة عن الاثقال ان قال ومنها
 لم يجب عليها الجبل والارباب والمائة الثاثة فلما به بعض التجار كقولهم وكل من ادى اباة فم
 ما في ابيهم من حقنا فليبلغ الشاهد الغائب وقوله الناس كلهم يعيشون في فضلنا فقلت ان
 اسلنا شيئا من ذلك وقوله في الصحيح وكلما كان في اية شيئا من الارض فيها حقلون وكل
 ذلك ان يقوم قائنا وقوله من توسع على شيئا ان ينفق ما في ابيهم بالمعروف والبر
 سلا وجميع وقال في الفاضح الارض المايمة او عامرة فالهيئة للامام من الاثقال سواء
 ثم باء اليها او لم يجز عليها ملك النفس والاصابع والايحوز لامد التصرف فيها الا باذن من
 البند والائمة للسليين من الناس كافة ونكلام ابا ابرهة الحضور والغيبة والصحاح به مستغنية
 الا

تصوير ۵. نورالعین، کاتب خانم جان خانم، قرن ۱۳ق؛ کتابخانه مجلس، ش. ۱۲۴۷۴.

۲۲۱

و اکثر قرن نظریه بد بخوس بنظر عدوت نشاید هیچ همات را الا شرف و کبر و
 و بنا مخصوصاً قلاع استی هستند دیگر باره معمول شود و قتل و سیاحت و منظره و
 مجاوره را اما اکثر نظریه باشد بشن بنظر است از بروج منقلب سفر کردن و قید
 ملوک و طلب حاجات کردن از زیارات مان و بسبق علمها را نشاید و اگر مکر از بروج
 ثابت بود در شهر شدن و ابتداء کار با بزرگ و بر تخت نشستن و بیعت و جلوس و
 سلطنت مانتایست بود و اکثر در بروج آتش بود آتش که رو کند اخلاق زو و سم را نشاید
 بود چون ناظر باشد باقی بنظر دشمنی که کار نشاید کرد مکر در اجتناب هر قدر کمتر
 شود بعد متصل شود نهادن زینت با و اظهار اسرار کردن از موجب است
 باشد و مناد کردن و اظهار اسرار را نشاید و اجتناب بنظر سعادت نشاید و از انصراف
 متصل شود بهمان بروج و اکثر نظریه عطار در بود او سعادت باشد ابتدا قلم و کتابت و
 را نشاید و اکثر بنظر بود در او چیز باشد خاصه بنظر عدوت بود و عطار در
 این بود متصل شود بعد و عطار در خوش است متصل شود و خوشی و کلم
 اتصال قمر بروج پسندیده هر کوی که کار نشاید در منوی بعد بان کوی که
 تا در شب کید میان فرخ کلین سخن و طریقه قمر و قمر و قمر و قمر و قمر و قمر
 منصرف بود هیچ کار نشاید کرده کنته و اظهار اسرار و قمر و قمر و قمر
 حواله هم صفر المظفر

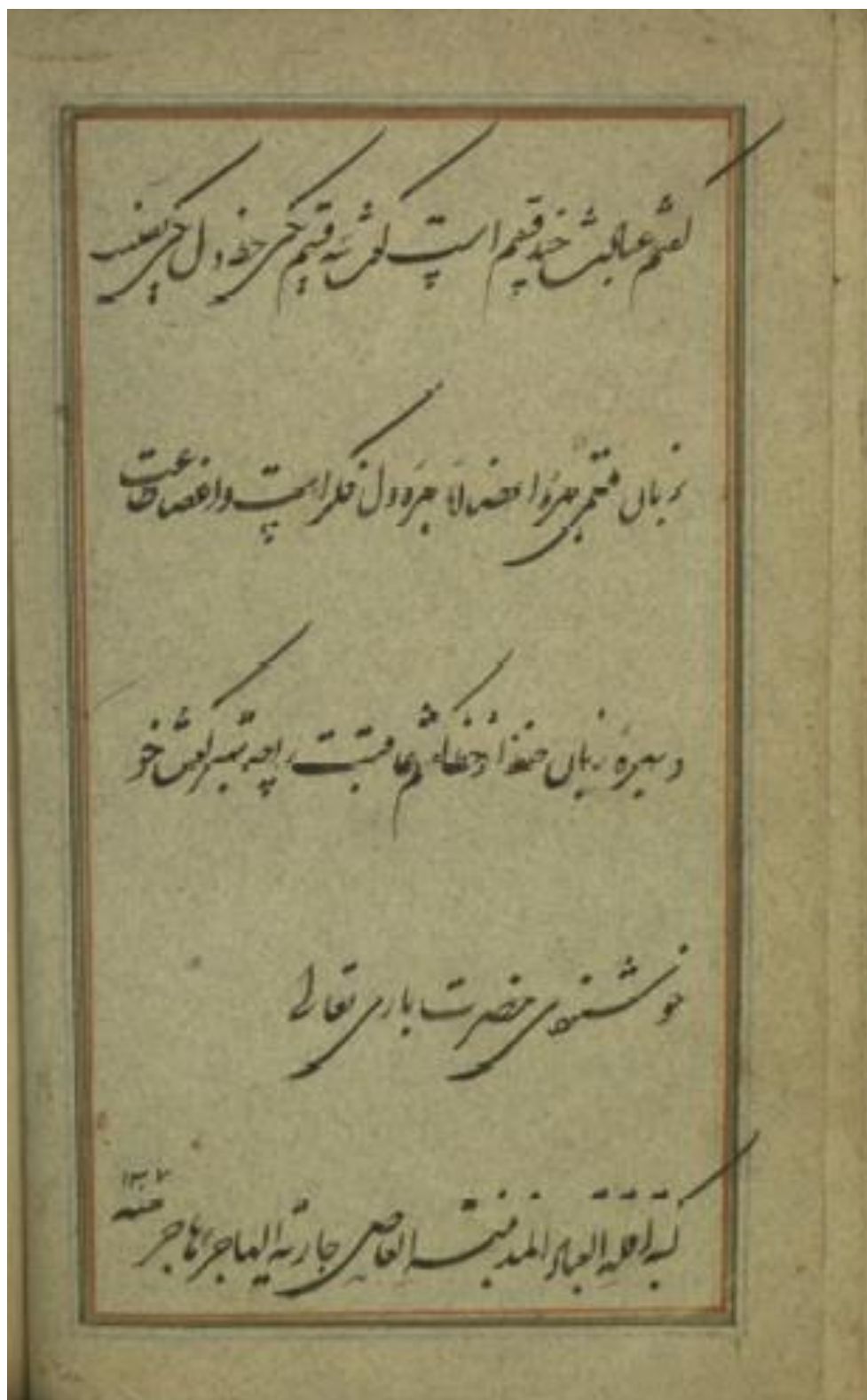
کتابخانه
 قاجاریه

باز دید شد
 ۱۳۵۱

تصویر ۶. تحفه نظامیه، کاتب: زن سید مراد، قرن ۱۳ق؛ کتابخانه ملک، ش. ۲۲۴۴/۸.

ان النفس بالنفس والعین بالعين والالف بالالف والاداء
 بالاذن والسن بالسن والجروح بخصاص وصلی الله علی سیدنا
 محمد النبی وآله وسلم تسلیماً **للنمل ۱۰۰** یدق الکراویا ویلقی
 فی حجر النمل ویکتب فی شیئی ویعلق فی زوايا الدار بسم الله
 الرحمن الرحیم ان کنتم لوء منون بالله والیوم الآخر والبنین
 وما انزل الیهم فاسسا لکم محی الله وحی نبیکم وبنینا وما
 انزل علیهما الا تحولتم عن مسکننا قد وقع الفراخ
 من کتابه هذا الكتاب یوم الاربعاء من شهر ربيع الثانی
 علی ید الائمة الضعیف المسکین المذنبه حاجیه سکیه خراون
 صبیحه بنت بناه مرزوم صاحب محمد باقر طبع قبلاً بقدر الریح والطاقة تمام

بنده که صاحب خره و زمین گیر نباشد و مولی جز احمق باو نرسانند باشد که موجب
عشق او باشد و بعضی گفته اند که باید خصی و لال و کز نباشد و ولد نا باشد و مشهور
اجز است و احوط ترک است و غلام که ریخته را مشهور است که از او میتوان کرد تا علم
برک اش بهم برسد و بعضی شرط کرده اند که خبری از آن رسد و بعضی شرط کرده اند
که ظن حیا او باشد **دویم** در کفاره مرتبه تا از بنده از او کردن عاجز نشود بروزه مستعمل
نمیشود و هر جا که روزه دو ماه باشد میباید متوالی بگیرد و توالی بیگانه و یکروز که متصل
بیکدیگر می آید باین معنی که اگر بعد از آن بدون عذر افطار کند نباید از سر بگیرد و یا
تقریب جایز است بی عذر یا حرام است اول اظهار است و ثانی احوط است و اگر پیش
از بیگانه و یک روز بی عذر افطار کند از سر میگیرد و اگر بعد بی باشد مانند حیض و
نفاس و پیهوشی و دیوانگی و بیماری و سفر ضروری بعد از زوال عذر بنا میگذارد
و تمام میکند و همچنین اگر مجبور شود در افطار روزی بنا بر اقوی و هر جا که
کفاره دو ماه متوالی باشد اگر کفاره دهنده بنده باشد بیگانه بی در پی میگیرد علی
الاقوی **سیم** هر جا که اطعام لازم شود مشهور است که بزرگ است که بزرگ است که بزرگ است
که سیر شود و بهتر است که نان خورشی با نان ضم کند مانند خرفا با گوشت یا سرکه و
بعضی گفته اند که میباید که چاشنی و شام هر دو بخورد و سبب آنست که سیر شود
و احوط اینست اگر چه اظهار است که بزرگ وقت انکفا توان کرد و اگر خراهد طعام
را بچسبند میسواند داد و در مقدار آن خلافت بعضی یکم گفته اند و بعضی دو
مد و احوط دو مد است و بهتر است که با آن نان خورشی نیز بدهد چنانچه بعضی
واجب دانسته اند و در طعام دادن کوچک و بزرگ تفاوت معنی کند و احوط آنست
که حصه اطفال را بولی شرعی ایشان بدهد و اگر خوراند ظاهر الصغیر و کبریا با هم
تواند ضم کرد و اگر در طفل را بجای بگیرد حساب کند احوط است و در بزرگ کفاره
دو حصه را بزرگ میکند معنی توان داد مگر آنکه مستحق یافت نشود و احوط آنست



تصویر ۹. ظفرنامه، کاتب: بانو هاجر، ۱۳۰۷ق؛ دانشگاه تهران، ش ۷۵۳۵.